

لیک یا حسین ...^۱

حدود ساعت ۱۵ بود که یادم آمد امروز ختم برادر یکی از دوستانم است. مشغول شنیدن فایلی صوتی در موضوع نُبوت و شبهات مطرح پیرامون آن بودم.

محل ختم دور بود. خیابان ابوسعید، حسینیه ی مکتب النبى صلی الله علیه السلام و آله وسلم. فکر کردم اگر کمی زود تر بروم برای بازگشت به ترافیکِ احتمالی بر نمی خورم. ابتدای راه از ماشینی که گرفته بودم راجع به زمانِ بودن در راه پرسیدم و او گفت حدود ۴۰ دقیقه در راه هستیم.

خواهش کردم که رادیو را خاموش کند، کتابم را باز کردم و مشغول مطالعه شدم. جلد اول از کتاب «نیایش منتظران». بخشهایی از کتاب را قبلا خوانده بودم اما هنوز تماشش نکرده بودم. نکته های جالبی داشت.

ساعت برنامه را ۱۷ تا ۱۹ اعلام کرده بودند و من حدود یک ربع پس از آغاز برنامه رسیدم. صاحبان عزا در سه قسمت ایستاده بودند و سالن اصلی پر از جمعیت بود. مجلس ختم نبود، مجلس روضه ی حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود! برخی به زبان آذری و برخی به زبان فارسی! بیشتر روضه ی حضرت علی اکبر می خواندند! گفته بودند مرحوم ذاکر و مداح افتخاری اهل بیت علیهم السلام و خادم حضرت رضا علیه السلام بوده...!

اشکی بود که مردم با نام مبارک «حسین» می ریختند! انگار بخشی از جمعیت هم برای ختم و تسلیت نیامده بودند! یا مثل من برای تسلیت آمده بودند اما پس از کمی نشستن نیت کرده بودند برای بودن در مجلس روضه ی حضرت سیدالشهدا...!

یکی از مداحان مشهور هم که می شناختم آمد و گفت که به احترام ذاکر ارباب آمده است و حتی آشنایی با مرحوم و خانواده اش ندارد! به نظرم هیچ یک از کسانی که پشت بلندگو می رفتند برای اداره کردن مجلس پدر و مادر مرحوم نیامده بودند! خود صاحبان عزا هم بر غربت امام حسین علیه السلام می گریستند!

^۱ - به قلم سیدمحمد خردمند. ۱۳۹۷/۱/۱۰

^۲ - مرحوم مهدی حسین زاده

خداست! عزت و ذلت هم دست خودش است! بخواهد یک مجلس ساده ی ختم را که گاهی برای برخی با اکراه و قهر و از

روی ناچاری برگزار می شود، تبدیل می کند به یک مجلس توسل و ذکر و معنویت!

وقتی بلند شدم سالن دوم هم پر بود و جمعیت در راهرو ایستاده بودند! ...

قدم زنان راه افتادم سمت مترو و فکر می کردم! ... به آقای و لطفِ امامِ مهربانی ها! چه می کند برای یک خادمش! اینجا

دنیاست! قیامت را ببین چه غوغایی است! ... لبیک یا حسین! ...